

# از کی دوش بت نسازیم اما...



کردن به دستمزدهای به مراتب کمتر از تیمهای عربی کرد؟ تیم ملی چند سالی است که راحت می برد، سخت گل می خورد، شخصیت پیدا کرده و در عمل برای حریفان، قابل احترام و نیز رعب آور شده است. میلیونها ایرانی می گویند حلالیت باشد آقای کی روش هر چه در این سالها گرفته ای اما جناح مذکور وقتی دیگر دستش به هیچ جا بند نیست، عنوان می دارد طی ۷،۸ سال چرا طرف جامی نبرده است؟! ببخشید که کی روش نتوانست طی دو حضور در جام جهانی، جام طلایی مسابقات را بالای سر ببرد. ببخشید که هر سال دارد بازیهای جام دار ملی برگزار می شود و کی روش هر بار به دلیلی دستش از جام کوتاه می ماند...

## می دانید واقعیت چیست؟

لقمه دندان گیر بیست تیم ملی فعلی؛ طبیعی است برایش دندان تیز کرده باشند و اصلاً عجیب نیست که بخواهند بی صاحبش کنند تا آن را به نام خود بسند بزنند. تیمی که از سه چهار سال قبل پر و سه "تغییر نسل" را استارت زده و اکنون ستاره های جوان آماده ی برداشتی دارد، هر کسی را وسوسه می کند که به کمک "یارانش" آن را تصاحب کند... اینچنین است که با یک اظهار نظر یا حرکتی از سمت کی روش، احساسات جامعه ی احساسی ما را قفلک می دهند و خود را با غیرت و دلسوز فوتبال جلوه می دهند و اعتقاد دارند کی روش ما را تحقیر کرده و می کند، در حالی که "درد" چیز دیگری است...

آقایان! اگر دلسوز ایران و ایرانی هستید، به یاد بیاورید والیبلمان بعد از رفتن ولاسکو چه حال و روزی پیدا کرد؟

این سسچنین نیست که بگویم کی روش بی عیب و نقص است و تیم ملی هم به اوج کمال رسیده، اما این همه بی انصافی و بی ارزش کردن کارهای او نیز پذیرفتنی نیست. این تیم که چند سالی است پله های پیشرفت و ساختار سازی را با موفقیت پشت سر گذاشته، باید تکامل یابد و شاید این تکامل اصلاً با کی روش میسر نباشد.

حرف اصلی ما هم دقیقاً این است که نه از آن سوی بام بیقیمتیم، نه از این سو. نه در حق کی روش بی انصافی کنیم و کارهایش را نادیده بگیریم، نه از آن سوازی وی بت بسازیم و ضعفها را نادیده بگیریم. فدراسیون و رسانه ها باید روزها و هفته های آینده را مدیریت کنند. چون در برهه زمانی حساسی قرار داریم و احساسات و تعصب نباید کار دستان دهد.

که بگویم هیچ کدام از نتایج تیم ملی قابل تقدیر نیست...؟!

در جام جهانی مراکش را می بریم، با پرتغال مساوی می کنیم و مقابل اسپانیا در کمال شایستگی فقط با یک گل شکست می خوریم. اما باز هم رضایت این جناح خاص جلب نمی شود و اینگونه عنوان می شود که این حریفان هستند که در بدترین دوران تاریخ فوتبال خود بسر می برند!...! قدرت عربستان، چین، کره جنوبی و... در عرصه باشگاهی و سرمایه گذاری کلان و کهن آنها در این زمینه، مگر می شود تاثیر مثبتی روی تیم ملی شان نداشته باشد؟

همین امارات و قطر که امروز در جمع چهار تیم پایانی جام ملتها حضور دارند. مگر نه اینکه دارندگان هزینه های هنگفت عرصه باشگاهی و نیز سرمایه گذاری بلندمدت در رده ملی را می خورند؟

پس هیچ گونه نمی شود حذف امثال کره جنوبی با آن برنامه های مدون و سازمان یافته را طبیعی و ناشی از افولشان دانست و صعود امارات و قطر به مرحله نیمه نهایی را شانسی قلمداد کرد. آسیا امروز تیمهای قدری دارد و اگر ایران از ۵ سال قبل به این طرف، بی دغدغه و تقریباً آسان امثال کره جنوبی، چین و... را می برد و از سر راه بر می دارد، جز قدرتمند شدن و پیشرفت، نباید چیزی را در اذهان تداعی کند، اما متأسفانه برخی جریان سازیهای رسانه ای هدفمند، از ماهها و شاید یکی دو سال قبل، به بدترین شکل ممکن سعی در کمرنگ کردن اقدامات کارلوس کی روش در تیم ملی دارد. این جریان قصد داشته و دارد اینگونه در اذهان تداعی کند که دستمزدهای کی روش نسبت به کاری که او در تیم ملی انجام داده، بسیار زیاد است و چنان جو را مسموم کرده و می کند که انگار هیچ اتفاق مثبتی رخ نداده است... آیا تربیت نسل جدید فوتبال ایران که حداقل یک دهه آینده فوتبلمان را بیمه می کند، کار کوچکی است؟ چه کسی اکثر پدیده های جوان فوتبلمان را وادار به حضور در تیمهای اروپایی و اکتفا

در لحظه نگارش این مطلب، ایران با برتری قاطعانه مقابل چین، در جمع چهار تیم پایانی جام ملتها حضور یافته و با آماری قابل تامل، بار دیگر قدرت خود را به رخ رقبایش در قاره کهن کشیده است، اما رویکرد و موضع جناحی خاص در قبال کی روش همانی است که پیشتر بوده و شاید شدت بیشتری هم گرفته باشد...

انصاف هم چیز خوبی است که برخی دوستان بویی از آن نبرده اند. ایران چین را که تحت هدایت مارچلو لیبی است (البته بود!) قاطعانه می برد، اما شنیده می شود که حریف، ضعیف و دست و پا بسته بوده، هیچ اشاره ای هم به این نمی شود که چشم بادامیهای متمول و سرمایه گذاری کرده، مقهور قدرت تیم ملی کشورمان شدند و در عمل نتوانستند چیزی از خود بروز دهند...

در دوره ای که عربستان "مدعی" خیلی زود حذف می شود، کره جنوبی و استرالیا راهی به مرحله نیمه نهایی نمی یابند و ژاپن به زحمت و تنها با یک گل از سد حریفی به نام ویتنام می گذرد، بردهای دو گله و سه گله ایران در مرحله حذفی مقابل عمان و چین، بی ارزش جلوه داده می شود، اینکه تیم ملی بدون یک گل خورده به مرحله نیمه نهایی می رسد، در نظر آقایان هیچ جلوه ای نمی کند و از یک سو به بازی دفاعی تیم ملی گیر می دهند و عنوان می کنند برای دیدن یک حمله، باید ساعتها چشم را به تلویزیون دوخت و از آن طرف فرصت سوزیهای بیپای امثال آزمون و طارمی را به سخره می گیرند. در حالی که این دو حرف و اظهار نظر اصلاً سنخیتی با یکدیگر ندارد و باید پرسید؟! تیمی که اصول حمله و بازی تهاجمی را بلد نیست، چطور در ۴ بازی ۱۲ گل زده؟! و حالا مهاجمانش بخاطر قدر شناسی مورد انتقاد قرار می گیرند؟!

اینکه تیم ملی ایران مدتهاست در آسیا "راحت" و بی دردسر می برد، آیا نشان از این دارد که همه قدرتهای مدعی پیش رویش به صورت خودجوش و دسته جمعی افت کرده اند؟! و این بهانه نیست